

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم «اسیر»
بن – المان، فبروری ۱۹۹۴م

کربلای کابل

در دار ملک ما به جز از گیر و دار نیست
نشگفته خاطری ز نسیم معنبری
در کربلای تشنه لبان مقام و جاه
در گلبهار شعله فتاده به جای گل
در دشت شادیان ز سواران یکه تاز
در کابل نشسته به خون تا نظر کنی
غیر از سرشک بیوه زن و طفل بی نوا
دار و ندار خلق به تاراج برده اند
دار العباد ما همه دار الفساد شد
در شهر، یار نیست که فریاد بشنود
کس را بکس مساعدت و دوستی نماند
یک خانواده نیست که از جور ناکسان
آتش زدن به لانه و کاشانه غریب
تاکی پی هوا و هوس هرزه میدوی
پنهان به زیر خرقه سالوس ای فقیه
طاس هوس فگندن و ایمان فروختن
تا پای دار می روم و داد می زنم

آنجا خبر ز فصل گل و وصل یار نیست
عطر خوشی ز رایحه نوبهار نیست
خون میدم ز هر بن گل، لاله زار نیست
در قندهار نار دمیده، انار نیست
شکلی، نشانه ای، اثری آشکار نیست
غیر از نوای ماتم و لوح مزار نیست
غیر از جفای بی عدد و بی شمار نیست
کس را جز این معاهده، قول و قرار نیست
ای ننگ بر تو زین عملت ننگ و عار نیست
این سرزمین غمزده را شهریار نیست
کس را به کس معاونت و اعتبار نیست
خون جگر نمی خورد و سوگوار نیست
ای سر فکنده هوش کن این افتخار نیست
این نفس سرکش تو مگر از مهار نیست
صدکار می کنی و به کس آشکار نیست
کس را توان و حوصله این قمار نیست
دانای کار ما به وفا پایدار نیست

گل زد «اسیر» دل ز فراق وطن، مگر
ملک خزان رسیده ما را بهار نیست؟